



وصیت‌نامه

حاج قاسم، سندی که

نقشه «جریان تحریف» را

نقش بر آب می کند

مقامات دولت ترورست و جنایتکار آمریکا هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند که با شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، محبوبیت این سردار دلاور روز به روز افزایش یابد.

حضور باشکوہ و میلیونی مردم عزیز ایران در تشییع بیکر مظهر حاج قاسم و در ادامه راهپیمایی میلیونی مردم عراق علیه آمریکا، سمران کشورهای غربی و نوجهای استیکبار در منطقه را به شدت نگران و مضطرب کرد. اولین سالگرد شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در ایران و عراق و نوع واکنش مردم در طول این یکسال نیز، این اضطراب و استیصال را در دل دشمن دوچندان کرد.

نکته قابل توجه اینجاست که رسانه‌های معاند پس از شهادت حاج قاسم، برای تخریب و تخطئه شخصیت این سردار دلاور، تمام توان خود را به کار بردند، اما این نقشه شوم، نقش بر آب شد و این محبوبیت حاج قاسم بود که روز به روز افزایش می‌یافت.

هم‌زمان با تقلای رسانه‌های معاند، در داخل کشور نیز یک جریان سیاسی خاص که نقش ویژه‌ای در فتنه ۸۸ داشت، این بار به تحریف شخصیت حاج قاسم اقدام کرد. هدف اصلی، مصادره محبوبیت شهید سردار سلیمانی و بهره‌برداری جناحی و سیاسی از این محبوبیت بود.

در همین رابطه ادعاهایی همچون «سردار سلیمانی اهل خودی و غیر خودی کردن نبود»، «سردار سلیمانی به خاتمی اردت داشت»، «تشییع سردار سلیمانی درس اعتدال بود» و مطرح شد.

رہبر معظم انقلاب- ۱۸ دی ۹۸- فرمودند:



«ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نونانی و مبارک امام بود، و انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند که این واقعیت‌ها را کمرنگ کنند.»

ایشان در ادامه در تبیین خصایص شهید شهید سلیمانی، «شجاعت» و «تدبیر» را دو ویژگی برجسته او برشمردند و یادآوری کردند: «برخی شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند و دل و جگر کار را ندارند.»

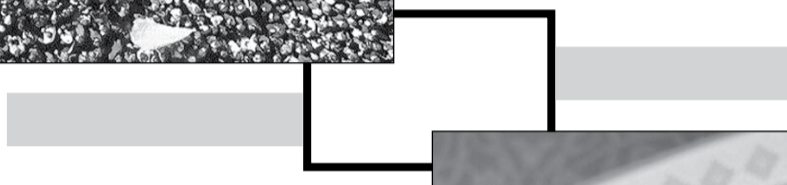
سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، علاوه بر آنکه در میدان جنگ، فرماندهای زنده بود و بینی آمریکا و همپیمانان واکنشگن را بارها به خاک مالیده بود، در حوزهٔ مسائل سیاسی نیز بسیار تیزهوش و دقیق و صریح بود.
بررسی وصیت‌نامه این سردار دلاور و خاطرات دوستان و هم‌زمان و نزدیکان حاج قاسم، تصویری بس‌دون تحریف و بدون روتوش از منش وی در حوزه مسائل سیاسی را به نمایش می‌گازد.
**در مجموع منش و رفتار سیاسی سردار سلیمانی را می‌توان در ۱۰ بخش خلاصه کرد.**

# پاسخ سرکار سلیمانی به ۱۰ پرسش سیاسی

ولایت فقیه

بدون شک مسئله «ولایت فقیه» برجسته‌ترین فراز وصیت‌نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است.
این موضوع از بخش آغازین وصیت‌نامه این سردار بزرگ شروع شده و تا انتهای وصیت نامه استمرار پیدا کرده است.
در وصیت نامه حاج قاسم آمده است: «خداوند! تو را شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و شیّع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خاتمه‌ای عزیز – که جانم فدای جان او باد – قرار دادی.»

سردار سلیمانی در بخش دیگری از وصیت‌نامه خود تأکید کرده است: «برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است، رهبری متصل و به منصوب شرعی و فقهی معصوم، خوب می‌داند مژّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد، لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به‌عنوان سَنّی اعتقاد عقلی دارید، بدانید ایاماً به‌دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. خیمه دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این



حضور داشت آمد در جلسه شورای نیروی قدس گزارش داد که در جلسه یک چنین موضوعی مطرح شده است، سردار سلیمانی به او گفت که واکنش شما چه بود؟ آن گفت: من چیزی نگفتم، حاج قاسم گفت که من اگر جای تو بودم لیوان روی میز را به صورت آن فردی که به رهبری اهانت کرد پرت می‌کردم، بله حاج قاسم تابع هیچ جناحی نبود برای خذب افراد تلافی می‌کرد اما اگر می‌دید فردی به ارزش‌ها اهانت می‌کند شدیداً بر خود می‌کرد.»

**نظام جمهوری اسلامی**

اعتقاد ویژه حاج قاسم به نظام جمهوری اسلامی و تأکید بر لزوم هوشیاری در مقابل نقشه‌های شوم دشمن در این خصوص از دیگر بخش‌های بسیار مهم وصیت‌نامه سردار سلیمانی است.
در وصیت نامه حاج قاسم آمده است: «امروز قرار گاه حسین‌بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرما می‌ماند. اگر دشمن، این حرم را از بین ببرد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی(صی).»

سردار سلیمانی در بخش دیگری از وصیت‌نامه خود تأکید کرده است:«جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند، بدانید مهم نیست که دشمن چه تگاهی به شما دارد، دشمن به پیامبر شما چه تگاهی داشت و دشمنان آچگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مظهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و تلائش آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.»

در وصیت‌نامه حاج قاسم آمده است:«می‌دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درد؛ آمریکا چون کبک هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد، علشورا و محرم، صفر و قاجار را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را ریسر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نمودند و بزرگترین قدرتهای مادی را دلیل خود

# سیاسی

Siyasi @kayhan.ir

مسعود اکبری

نموده‌اند. عزیزان، در اصول اختلاف نکنید.»

سردار سلیمانی بر بخش دیگری از وصیت نامه خود تأکید کرده است:«وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح

است، هم نخواهد بود، بلکه سعی استیکار بر الحادگری محض مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرفیاب‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل شد.»

حجت‌الاسلام علی شیرازی، نماینده سابق ولی فقیه در نیروی قدس سپاه چندی پیش درباره ویژگی در مسیر عبد صالح گفت: «خاطرم هست جلسهای بود که در یک وزارتخانه‌ای با مدیران میانی، در این جلسه یکی از افراد حاضر نسبت به رهبری مسائلی را مطرح کرد، فردی که یکی از معاونت‌های حاج قاسم بود و در این جلسه



می‌شود، اینبار رنگ خدا هستند، رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.»

**فتنه ۸۸ و آشوب‌های دی ۹۶**

سردار سلیمانی از جمله مقاماتی بود که صراحتاً درباره خیانت نابخشودنی فتنه ۸۸ موضع‌گیری کرد. در یک نمونه، حاج قاسم – ۲۲ بهمن ۹۶– در جمع سردار سلیمانی به او گفت که واکنش شما چه بود؟ آن فرد گفت: من چیزی نگفتم، حاج قاسم گفت که من اگر جای تو بودم لیوان روی میز را به صورت آن فردی که به رهبری اهانت کرد پرت می‌کردم، بله حاج قاسم تابع هیچ جناحی نبود برای خذب افراد تلافی می‌کرد اما اگر می‌دید فردی به ارزش‌ها اهانت می‌کند شدیداً بر خود می‌کرد.»

سردار سلیمانی از جمله مقاماتی بود که صراحتاً چندی پیش با ذکر خاطراتی از حاج قاسم گفت: «در سال ۸۸ وقتی که فتنه گسترده‌تر و عمیق‌تر و خطرناک‌تر شد، با وجود اینکه ماموریت‌های سردار سلیمانی از سال ۸۵ در منطقه خیلی بیشتر شده بود، در ایام فتنه هرگاه می‌آمد ایران خیالش راحت نبود و خاطرم هست در قرار گاه نارالله حضور پیدا می‌کرد و درنفاذ داشت و تلاش می‌کرد ماجرا می‌کردند و این ملت ایران بود که وارد صحنه شد و بینی دشمن را به خاک مالید.»

سردار سلیمانی از جمله مقاماتی بود که صراحتاً چندی پیش با ذکر خاطراتی از حاج قاسم گفت: «در سال ۸۸ وقتی که فتنه گسترده‌تر و عمیق‌تر و خطرناک‌تر شد، با وجود اینکه ماموریت‌های سردار سلیمانی از سال ۸۵ در منطقه خیلی بیشتر شده بود، در ایام فتنه هرگاه می‌آمد ایران خیالش راحت نبود و خاطرم هست در قرار گاه نارالله حضور پیدا می‌کرد و درنفاذ داشت و تلاش می‌کرد ماجرا می‌کردند و این ملت ایران بود که وارد صحنه شد و بینی دشمن را به خاک مالید.»

سردار سلیمانی در روزهای پایانی سال ۹۴ در دیدار با

۸۸ تحت عنوان «نه غزه نه لبنان، فقط فلات ایران» و «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته بود: «در ایران، زمانی که مسئله، فلسطین باشد، همه انقلابی هستند، همگان فلسطین را دوست دارند فلسطین حتی در داخل ایران هم (موضوعی) اساسی است چند سال پیش شعار «غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که سران و لیدرهای فتنه ۸۸ هیچگاه نسبت به آن اعتراض نکردند.

سردار سلیمانی در روزهای پایانی سال ۹۴ در دیدار با ۸۸ تحت عنوان «نه غزه نه لبنان، فقط فلات ایران» و «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته بود: «در ایران، زمانی که مسئله، فلسطین باشد، همه انقلابی هستند، همگان فلسطین را دوست دارند فلسطین حتی در داخل ایران هم (موضوعی) اساسی است چند سال پیش شعار «غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که سران و لیدرهای فتنه ۸۸ هیچگاه نسبت به آن اعتراض نکردند.

نام «شهید کلاه‌دو» نام گرفته، شروع کرد و تا مقطع کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.

**حاج قاسم و لشکر «خطشکن» لشکر ۴۱ ثارالله**
او بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل سپاه پاسداران به عضویت سپاه درآمد و در همان اوایل برای مشارکت در غائله مهاباد به غرب کشور رفت. سپس به جنوب رفت و با پیشهاد و تدبیر شهیدحسن باقری تیپ ۴۱ ثارالله

## گزارش اختصاصی کیهان از روستا و دوستان قدیمی شهید سلیمانی

# ۴۸ تن از اشرار سابق گفتند حاضریم انتقام حاج قاسم را بگیریم

■ علی چاهنوزاده

قبرستان روستای قنات ملک کمی دور از خانه‌هاست و با وجود کوچک، تقریباً سه بخش کلی می‌توان برایش در نظر گرفت. یک بخش که اهالی اموشان را در آن دفن کرده‌اند و بخشی دیگر که ارتفاع بیشتری دارد، مزار شهادتست. میان این دو هم، آرامگاه پدر و مادر حاج قاسم قرار دارد. دو مزار با سنگ سفید که روی آنها با خط نستعلیق نوشته شده است. حاج حسن سلیمانی فرزند حسین و فاطمه سلیمانی بنت اسد.

کمی از مزار شهدا و آرامستان روستا که دور شوی

و به سمت غرب بروی بازهم به مسجد جامع می‌رسی. داخل مسجد که پای می‌گازی، به طرز عجیبی متوجه غم نبود او می‌شویی و هنگامی که عکس کاشی کاری شده حاج قاسم را کنار سایر شهدای روستا می‌بینی تازه متوجه می‌شویی چه داغ بزرگی در دل این مرد مسج و آبادی است. انگار که دیگر قنات ملک هم صفایی ندارد.

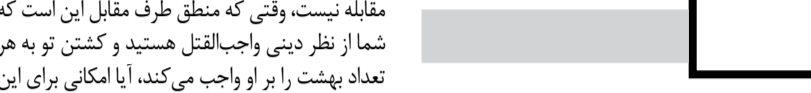
**نوشتن از سردار دل‌ها**

نوشتن از سردار دل‌ها، سخت و دشوار است. از همه آدم‌های که دور و اطراف می‌دیدم، حرف و خاطره برای روایت کردن و نوشتن هست؛ حالا از کدامشان باید نوشت- از خویش و اقوام و همسایه‌های سردار یا کودکان شهدای مدافع حرم و با همکاران و هم‌زمانش در لشکر ثارالله و سپاه قدس.

گرچه سردار نیاز به روایت کردن ندارد، اما وقتی برای ثبت در تاریخ و با برای نسل‌های دیگر که او را ندیده و نشنیده‌اند، می‌خواهی حتی شده در گوشه‌های و رسانه‌های از و بنویسی، متحجر می‌شوی که یک چهره‌امرد را چگونه می‌توان در واژگانی محدود به رشته تحریر درآورد.

از سرداری که بسیاری از ملت‌های دنیا او را به مرد میدان و مرد مبارزه با ظلم و ستم می‌شناسند چگونه می‌توان گفت و نوشت. از بجای این ۴۰ سال در همه‌جا نبودنش و همه‌جا بودنش می‌توان روایت کرد.

قاسم در ۲۵ اسفند ۱۳۳۵ در قنات ملک به دنیا آمد و شاید هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد روزی برسد که او بزرگ‌ترین فرمانده ضد تروریسم در غرب آسیا شود، او دوران مدرسه را در دبستانی که امروز به



چیزی اتفاق بیفتد؟»

نکته قابل توجه اینجاست که پس از این اظهارنظر، حامیان فتنه ۸۸ به سردار سلیمانی حمله کرده و او را آماج فحاشی قرار دادند.

**برجام ۲۰۲**

مدعیان اصلاحات و فعالین و لیدرهای فتنه ۸۸ سال‌های اخیر بارها بر اجرای روند خسارت بار برجام های ۲ و ۳ تأکید کردند. سردار سلیمانی از جمله مقاماتی بود که نسبت به این پیشنهاد خسارت بار و مغایر با منافع ملی، صراحتاً واکنش نشان داد.

حاج قاسم- ۹۷ اسفند۹۷-نسبت به برجام ۲ و ۳- که تقلای خاتنه‌های مدعی اصلاحات است - هشدار داد و بر حذر داشت و وی تصریح کرد: «برای دشمن، این برجام، سه‌ضلعی است نه یک‌ضلعی. او‌اما فکر می‌کردی به مرور زمان به دو ضلع دیگر می‌رسد، اما آدم عجولی که آمد(رأب)، اصرار دارد به سرعت برسد و تشریش این بود که می‌رسد، اینکه اصرار می‌کنند بر برجام در منطقه، برای این است که می‌خواهند این تحرکی را که از ایران اسلامی به جهان اسلام روح و جان داده، این خوبی را که در عالم اسلامی جریان پیدا کرده، بخشند. اگر العبادالله ما رقیبم و در برجام ۲ شرکت کردیم، به همین

دولت روحانی در روزهای پایانی سال ۹۴ در دیدار با ۸۸ تحت عنوان «نه غزه نه لبنان، فقط فلات ایران» و «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته بود: «در ایران، زمانی که مسئله، فلسطین باشد، همه انقلابی هستند، همگان فلسطین را دوست دارند فلسطین حتی در داخل ایران هم (موضوعی) اساسی است چند سال پیش شعار «غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که سران و لیدرهای فتنه ۸۸ هیچگاه نسبت به آن اعتراض نکردند.

سردار سلیمانی در روزهای پایانی سال ۹۴ در دیدار با ۸۸ تحت عنوان «نه غزه نه لبنان، فقط فلات ایران» و «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته بود: «در ایران، زمانی که مسئله، فلسطین باشد، همه انقلابی هستند، همگان فلسطین را دوست دارند فلسطین حتی در داخل ایران هم (موضوعی) اساسی است چند سال پیش شعار «غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که سران و لیدرهای فتنه ۸۸ هیچگاه نسبت به آن اعتراض نکردند.

سردار سلیمانی در روزهای پایانی سال ۹۴ در دیدار با ۸۸ تحت عنوان «نه غزه نه لبنان، فقط فلات ایران» و «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته بود: «در ایران، زمانی که مسئله، فلسطین باشد، همه انقلابی هستند، همگان فلسطین را دوست دارند فلسطین حتی در داخل ایران هم (موضوعی) اساسی است چند سال پیش شعار «غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که سران و لیدرهای فتنه ۸۸ هیچگاه نسبت به آن اعتراض نکردند.

## همزمان با تقلای رسانه‌های معاند، در داخل کشور نیز یک جریان سیاسی خاص که نقش ویژه‌ای در فتنه ۸۸ داشت، این بار به تحریف شخصیت حاج قاسم اقدام کرد. هدف اصلی، مصادره محبوبیت شهید سردار سلیمانی و بهره‌برداری جناحی و سیاسی از این محبوبیت بود.

تمام می‌شود؟ نه، برجام اصلی در داخل ایران است. تلاش آنها به اینجا منتهی نخواهد شد و برجام ۳ هم خواهد داشت، چون دشمنان معتقدند که بنامد چشمه یاد خشکانده شود و این چشمه، ایران است.»

«حسین امیرالعلیه‌الیهان» معاون سابق عربی و افریقی‌ای وزارت خارجه، چندین پیش در گفت‌وگویی با

اشاره به تماس تلفنی حاج قاسم با وی تصریح کرد: «فدرای روزی که تصاویری از قدم زدن ظریف با جان کری منتشر شده بود، حاج قاسم با من تماس گرفت و در آن تماس، کمک تسلیحاتی و ارتباط مستقیم آمریکایی‌ها با داعش را گوشزد کرده و گفته بود این پیام به آقای ظریف منتقل شود.»

**سوریه و عراق هم مذاکره می‌خواهد**
سردار سلیمانی در پاسخ به عده‌ای که مدعی بودند «سوریه و عراق و نبرد با داعش، دیپلماسی و مذاکره می‌خواهد» گفته بود: «اگر بعضی از کارها با دیپلماسی قابل حل بود، هیچ‌کس مسلح‌تر از امیرالمؤمنین(ع) می‌برسم اینها! اکنون کجا هستند ما این را در قافوس سیاسی خود ثبت کردیم. کسانی که هر گونه شماری در مخالفت با حمایت ما از فلسطین سر دهند در هیچ پست سیاسی نخواهند بود و در راس تصمیم‌گیرندگان کلان کشور جای نخواهند داشت. کجاممكن است چنین

زیم پهلوی حاج قاسم این‌گونه روایت می‌کند که «قاسم کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.

نام «شهید کلاه‌دو» نام گرفته، شروع کرد و تا مقطع کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.

زیم پهلوی حاج قاسم این‌گونه روایت می‌کند که «قاسم کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.

زیم پهلوی حاج قاسم این‌گونه روایت می‌کند که «قاسم کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.

زیم پهلوی حاج قاسم این‌گونه روایت می‌کند که «قاسم کلاس ۹ را در شهر «ابر» به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی کرمان شد.



انقلاب بودم، در همان ماههای تشکیل سپاه، حاج قاسم به رابر آمد و از ورودش به سپاه خبر داد و گفت که من شعا و برادرم حسین و جهانگیر سلیمانی را به‌عنوان معرف انتخاب کردم و پذیرش کردم «حاج قاسم به او ادامه داد: «حاج قاسم به دلیل اینکه ورزشکار بود، در ابتدا در یادگان قدس مربی آموزش شد و اساساً اولین ورود حاج قاسم به جنگ سال ۶۰ بود. این ورود هم‌راه با عملیات طریق‌القدس شد و در این عملیات آقای

انقلاب بودم، در همان ماههای تشکیل سپاه، حاج قاسم به رابر آمد و از ورودش به سپاه خبر داد و گفت که من شعا و برادرم حسین و جهانگیر سلیمانی را به‌عنوان معرف انتخاب کردم و پذیرش کردم «حاج قاسم به او ادامه داد: «حاج قاسم به دلیل اینکه ورزشکار بود، در ابتدا در یادگان قدس مربی آموزش شد و اساساً اولین ورود حاج قاسم به جنگ سال ۶۰ بود. این ورود هم‌راه با عملیات طریق‌القدس شد و در این عملیات آقای

انقلاب بودم، در همان ماههای تشکیل سپاه، حاج قاسم به رابر آمد و از ورودش به سپاه خبر داد و گفت که من شعا و برادرم حسین و جهانگیر سلیمانی را به‌عنوان معرف انتخاب کردم و پذیرش کردم «حاج قاسم به او ادامه داد: «حاج قاسم به دلیل اینکه ورزشکار بود، در ابتدا در یادگان قدس مربی آموزش شد و اساساً اولین ورود حاج قاسم به جنگ سال ۶۰ بود. این ورود هم‌راه با عملیات طریق‌القدس شد و در این عملیات آقای

انقلاب بودم، در همان ماههای تشکیل سپاه، حاج قاسم به رابر آمد و از ورودش به سپاه خبر داد و گفت که من شعا و برادرم حسین و جهانگیر سلیمانی را به‌عنوان معرف انتخاب کردم و پذیرش کردم «حاج قاسم به او ادامه داد: «حاج قاسم به دلیل اینکه ورزشکار بود، در ابتدا در یادگان قدس مربی آموزش شد و اساساً اولین ورود حاج قاسم به جنگ سال ۶۰ بود. این ورود هم‌راه با عملیات طریق‌القدس شد و در این عملیات آقای

صفحه ۷

پنج‌شنبه ۲۵ دی ۱۳۹۹

۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۶۶۲

سال ۹۸ گزاشته شد، حاج قاسم را در آن جلسات دیدم که بسیار آشفته و درهم بود، غصه می‌خورد و می‌گفت «چرا با مردم ما این طور بازی می‌کنند.» حاج قاسم خدا و مردم را مقابل هم نمی‌دید. او بسیار دغدغه و درد مردم را داشت. این عشقی که مردم نسبت به او ابراز کردند به خاطر این بود که تمام وجود او عشق به مردم بود.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی در ادامه گفت: «می‌دانید که یکی از ویژگی‌های حاج قاسم توانمندی مدیریت بحران بود و ضمن اینکه این توانمندی را داشت، نسبت به مردم بسیار دل‌رحم بود و دلش می‌سوخت که چرا ما باید شاهد این مسائل باشیم که بخشی از جوان‌های ما اسیر نقشه‌های دشمنان شوند. غصه چچه‌هایی را می‌شورد که فریب خورده بودند و به خیلبان‌ها آمده و اغتشاش می‌کردند. می‌گفت که غصه می‌خورم چرا این جوان‌ها به جای اینکه در صف گروه‌های انقلاب باشند و از انقلاب دفاع کنند، بازچه شدند! آخرین دلواپسی ایشان همین بود.»

**ناباید وجود دشمن را انکار کرد**

سردار سلیمانی «مهرماه ۹۵- نسبت به دوصدایی در سیاست خارجی و ارسال پالس ضعف از سوی برخی افراد تأکید کرد:«در خط مقدم جنگ با دشمن، نباید دو صدا بلند شود و کسانی بگویند دشمن نیست، دوست است. خوراج، محصول ترویج همین نگاه بودند اگر صاحب‌منصبانی آدرس غلط دادند و در جامعه دو صدایی دشمن درست کردند، مرتکب خیانت شدناهد. کوچه دادن به دشمن، بدترین نوع خیانت است. ترویج فهم غلط از دشمن، حساسیت جامعه را بین بردن و در درون آن تفرقه درست کردن، خیانت است.»

**ویژگی های یک سیاستمدار**

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در بخشی از وصیت نامه خود با اشاره به ویژگی های یک سیاستمدار تأکید کرد: «کنته‌ای که باید خطاب به سبسیون کشور دارم، چه آنهایی که اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا آنچه پیوسته در رنج بودم این که عموماً ما در مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه خدا می‌کنیم. عزیزان، هر رفتاری با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا منظر همدیانت به‌نحوی تعضیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب این مکرّم اسلام و شهدای این راه هستید، مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، ششرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطول و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل هستند.

اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت‌ا او را بشنویید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌نحوهٔ طیب حقیقی شمری و عملی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن این است که اعتقاد حقیقی به عمل و به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تستوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند. ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید! اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

به‌کارگیری افراد پاک‌ست و معتقد و خدمتگزاری به ملت، نه به افرادی که اگر به میز یک دستسنان می‌برسدند خوار خزان‌های سابق را تداعی می‌کنند...

مقابله با فساد و دوری از فساد و تجلّلات را شیوه خود قرار دهند... در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، می‌خواهند بار مهم کشور را نه با توجهات واهی، ارزش‌ها را بیاکوت کنند.

مسئولین مستجاب‌البدن جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مالتی و به‌خاطر احساسات و جلب برخی از آرای احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشند...حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. هر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبری و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقیب صحیح بر پایه همین اصول است. انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.»

همین افراد که در گذشته سردار به آنها محبت داشت تأکید کردند ما باید مراسم خاصی برای سردار بگیریم و از همان اشرار قدیمی ۴۸ نفر آمده بودند و قسم می‌دادند اگر جایی برای جمهوری اسلامی و انتقام می‌ماند، نیاز بود ما صدافقه می‌کنیم و جریان گذشته می‌ماند. اینها نتایج همان کاری بود که حاج قاسم برای امنیت جنوب شرق انجام داد.»

در پایان، از دوست محمدی درباره حال و هوای روستا بعد از شهادت سردار دل‌ها سؤال کردم که گفت: «من دو پسرم را از دست دادم! اما آن قدر داغ حاج قاسم برایم سخت بود که داغ جوانانم برایم سخت نبود.»

او ادامه داد: «در همان روزها قنات ملک یک ماتم‌خانه شده بود و همه داغدار بودیم و هنوز هم هستیم»

از علیرضا مرادی، فرماندار سابق رابر هم از حاج قاسم پرسیده‌ام از سال‌های قبل از شهادت سردار و حضور او در قنات ملک.

فرماندار سابق رابر می‌گوید هربار که حاج قاسم به روستای قنات ملک می‌آمد به‌دوراز هر‌گونه تشریفات و پروتکل یک فرمانده عالی‌رتبه بود. او از لحظه ورود به روستا تا آخرین لحظات حضورش، با هر کس از اهالی روستا که مواجه می‌شد ساده و صمیمی بود و با آنها معاشرت می‌کرد. حاج قاسم از همسایه‌ها و هم‌روستاییها اجباری‌سی می‌کرد و حتی در کنار پرسنل نیروی انتظامی به شهادت رسیدند. آن موقع بود که برای مقابله با اقدامات نامن کننده اشرار در منطقه، حاج قاسم مرکزیت لشکر را در منطقه «جیرفت» و بقیه تپه‌ها را هم در «ابرانشهر» و منطقه «هلوک جیرفت» و «فاریاب» مستقر کرد. سپس با دعوت از سران طایفه بلوچ و عشایر و کل منطقه در جیرفت و سازمان عمران به بزرگان طوایف گفت، اگر فراری‌ها دست از شرارت برند و تسلیم دولت شوند در عوض ما هم از آنها حمایت می‌کنیم و برای آنها زمین کشاورزی می‌گیریم تا کشاورزی کنند و راه امرعاش بهتری برآیند پیشنهاد می‌دهیم و بعد از این بود که بسیاری با این پیشنهاد شرارت را کنار گذاشتند و به کشاورزی مشغول شدند. سردار همه طایفه‌ها را از کوهستان آورد و به آنها زمین کشاورزی داد و نام هم به آنها سرکنی می‌کرد. حاج قاسم به ماها می‌گفت تصور کنید اینجا زلزله آمده و شما کوتاه ایستن بپروژه با فخر جاه، احداث معازن بتنی و اجرای خط انتقال. و در چند روستای بزرگ از جمله کهنوج گرونپوه، قنات ملک و... عملیاتی شد و ادامه آن در حال انجام است.»